

شعر پرنده‌ها

نیره سادات هاشمی

نام کتاب: شهر پرنده‌ها
شاعر: یحیی علوی فرد
تصویر گر: طیبه توسلی
گروه سنی: ب و ج
شمارگان: ۵۰۰۰
تاریخ انتشار: ۱۳۸۹
تعداد صفحات: ۱۶ صفحه
قطع: خستی
ناشر: انتشارات عمو علوی
بهاء: ۱۴۰۰ تومان



همهانگ با روایت، تصویرهای ناب و بدیع در آن خلق کرده باشد. اگر هم شاهد نمودهای تخیل در آثار این شاعر هستیم، غالباً به تصویرهایی بر می‌خوریم که تشبیه‌ها و استعارات آن‌ها به فضای بزرگسال گرایش دارند. برای روشن‌تر شدن منظور، به مثال‌هایی از این کتاب اشاره می‌شود.

شعر «جشن تولد» (ص ۳ و ۲): این چهار پاره روایت گر کودکی است که در طول زمان جشن تولدش در انتظار رسیدن پدر است. هر جا که شاعر می‌خواهد تصویر سازی کند، تشبیه‌ها و استعاره‌ها ی او بیشتر از اینکه در خور تجربه ذهنی مخاطب کتاب باشند، مناسب گروه‌های سنی بالاتر است. بطور مثال، کودک در این گروه سنی قادر به درک تصاویر این چنینی نیست:

«هر خندهام گلی شد / زد بر لبم جوانه»

از دیگر تصاویر بزرگسالانه در این شعر می‌توان به این ابیات اشاره کرد:

«گل‌های خنده انگار / چون میوه چیدنی بود»

و یا

مجموعه شهر پرنده‌ها دفتر دیگری از آثار شاعر کودک و نوجوان «یحیی علوی فرد» است. در این کتاب هشت اثر در قالب چهارپاره، به چاپ رسیده است.

به نظر می‌آید شاعر این کتاب بیشتر از آنکه قصد ارائه‌ی اثری برای کودکان داشته باشد، می‌خواهد موضوع‌های خاص را در قالب شعر برای کودکان باز گو کند. موضوع‌هایی مثل: جشن تولد، روز پدر، روز پرستار، مهربانی - چنانکه در شعرهای دو تا بیست، باغچه‌ی گل و یک عالمه گنجشک آمده است. البته این موضوع‌ها تازگی ندارند. به جز «شهر پرنده‌ها» مابقی سوژه‌هایی هستند که بارها و بارها دست مایه‌ی شعر شاعران کودک قرار گرفته‌اند و خواندن آن‌ها هیچ لطف تازه‌ای برای مخاطب ندارد.

*

اگر بخواهیم آثار این کتاب را از منظر بیان دسته بندی کنیم، غالب آثار صرفاً در حوزه‌ی روایت قرار می‌گیرند. بیشتر آثار روایت گر فضاها یا سوژه‌هایی هستند که چندان هم نو نیست. در میان آثار شاعر بسیار کمند آثاری که تخیل،



عمه فداکار

توی پرستاری نمونه ست
در کل دنیا عمه زینب
حس می کنم سخت است کارش
زیرا سرکار است هر شب

او با نگاه مهربانش
مثل ستاره می درخشد
چون دوست دارد تا به بیمار
لبخند شادی را ببخشد

یک هدیه می گیرم برایش
امسال در روز پرستار
روزی که می آید به دنیا
یکه عمه خوب و فداکار

۱۱۳

«گنجشک خنده‌هایم / تا پشت شیشه پر زد»
یا در این بند با توجه به اینکه «سوسن» و «پروانه» علاوه بر نام گل وحشیره، می‌تواند نام یک شخص هم باشد، معلوم نمی‌شود منظور شاعر از آوردن این نام‌ها در این قسمت چیست؟! این ابهام با وجود گل و شمع در مصرع بعد بیشتر می‌شود.

«مادر بزرگ و مادر / بابا بزرگ و سوسن

پروانه و گل و شمع / کیک تولد من»

«شمع و گل و پروانه» نشانه‌هایی تکراری در شعر بزرگسال هستند. شاعر بدون ایجاد هیچ گونه خلاقیتی این تصویر کلیشه‌ای را در این قسمت از شعر بکار می‌برد. ضمن اینکه مخاطب کودک نمی‌تواند درک درستی از این تصویر کلیشه‌ای داشته باشد. کودک ممکن است این سه نشانه را شخصیت‌هایی بینگارد که در جشن تولد وجود دارند. از میان این سه، تنها وجود «شمع» در جشن تولد برای این گروه سنی روشن و شناخته شده است. بد نیست در اینجا این شعر با قسمت‌هایی از شعری دقیقاً با همین نام و در همین حال و هوا از شاعری دیگر مقایسه شود. در شعر زیر هم عنصر روایت غالب است؛ اما برای مخاطب این گروه سنی صورتی آشنا دارد.

«نبودی که ببینی / عجب جشن قشنگی

اتاقم پر آویز / پر از کاغذ رنگی

اتاقم پر مهمان / و جمع همه‌مان جمع

اتاقم پر شادی / پر از کیک و گل و شمع»

با نگاهی دقیق‌تر به آثار این کتاب، در می‌یابیم که شاعر بیشتر از آنکه در پی سرودن شعر باشد، خواسته تا اتفاقات و رویدادهای تقویمی یا پیرامون خود را بیان کند. روایت صرف، پر رنگ‌تر از عناصر دیگر مثل تخیل است. این فضا در شعرهایی مثل «دوتا بیست»، «روز بابا»، «یک عالمه گنجشک»، «عمه‌ی فداکار» و «گل‌ولگی خیالی» پر رنگ‌تر است.

البته در شعر «باغچه‌ی گل» (ص ۶) هم که مضمونی

توصیفی دارد و شاعر می‌خواهد فضای باغچه‌ی زهرا را به تصویر بکشد، باز هم تصاویر بکر و تازه نیستند.

«از عطر خوش گل‌ها / لبریز شده خانه

در باغچه مهمانند / امروز دو پروانه

در باغچه می‌رقصند / هر شاخه‌ی گل با باد

پروانه به جای گل / یک بوسه به زهرا داد»

یکی دیگر از دلایل پر رنگ شدن روایت‌گری در شعرهای این کتاب التزام شاعر به سرودن آثار مناسبتی است. بعضی از آثار به دلیل داشتن موضوع‌های خاص، شاعر را ملزم می‌کند که از محدوده‌ی روایت آن سوژه پا فراتر نهد. شعر «روز بابا» و «عمه فداکار» از این دست آثارند. البته چهارپاره‌ی «عمه فداکار» تشکل و انسجام بهتری نسبت به «روز بابا» دارد. شاعر شعر «روز بابا» را با بکارگیری نقل قول‌هایی از زبان مجری برنامه - کدام برنامه؟! - و مادر سروده است. این چهار پاره با وجود زبان ساده؛ شروع خوبی ندارد:

«مجری برنامه می‌گفت: / روز باباها مبارک

روز جشن ومهربانی / ای گل زیبا مبارک»

چهار پاره‌ی «عمه فداکار» (ص ۱۳) - مثل اثر قبلی - با وجود اینکه درباره‌ی مناسبتی سروده شده است؛ اما شاعر بهتر از شعر «روز پدر» توانسته است موضوع را بپروراند. در واقع این شعر تشکل و انسجام بهتری دارد. اغراق شاعر در بیت اول کودکانه؛ اما زیباست.

«توی پرستاری نمونه ست / در کل دنیا عمه زینب»



او زندگی کند. چه بسا کودک به دلیل وزن ریتمیک یک شعر به راحتی آن را بخاطر هم بسپارد؛ ولی درک درستی از آن نخواهد داشت.

این شعر می‌توانست اثر خوبی باشد؛ ولی به دلیل بند پایانی‌اش نمی‌توان آن را اثر مناسبی برای این گروه سنی شناخت. علی‌رغم فضای کاملاً کودکانه‌ای که در بندهای اول تا سوم هست؛ نتیجه‌گیری بند چهارم کاملاً بزرگسال است. شاعر نمی‌گذارد کودک درونش که ناظر بر این بازی کودکانه است در بند چهارم به نتیجه‌ای صلح خواهانه برسد. در این بند، شاعر کودک درون متن را فراموش می‌کند و از نگاه یک بزرگسال نتیجه‌گیری می‌کند.

«اگر گلوله حرف و / صدا تفنگ باشد

خدا کند که دنیا / همیشه جنگ باشد»

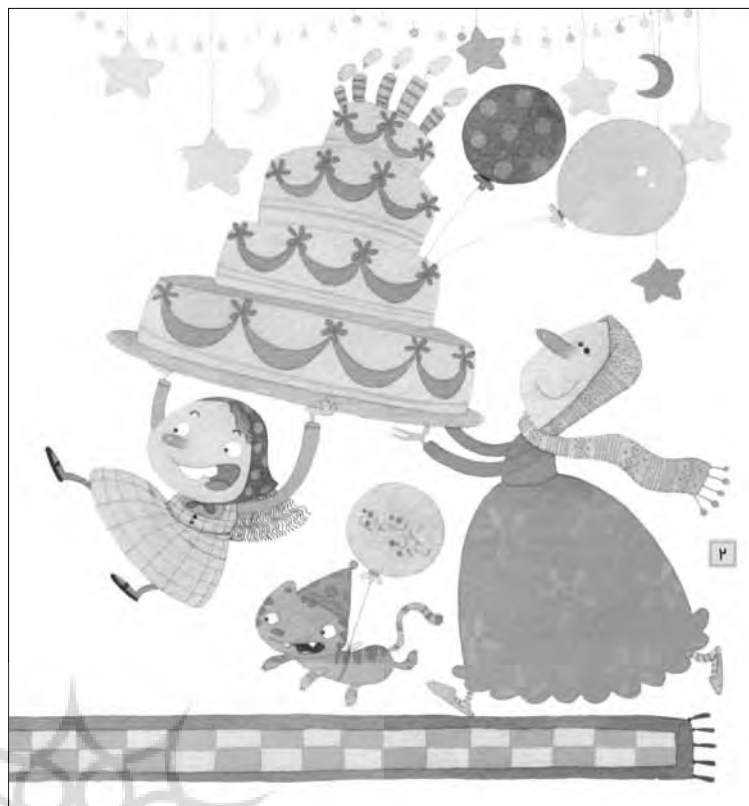
در این دو بیت نه زبان، زبان قابل درکی برای این گروه سنی است. نه آرزویی که شاعر در بیت آخر مطرح می‌کند به درستی برای این مخاطبان قابل هضم است. فراموش نکنیم که آرزوی وقوع جنگ - حتی به عنوان بازی - تأثیری منفی بر ذهن کودکان خواهد گذاشت. به ویژه آنکه دریافت دو مصرع نخست برای مخاطب ساده و راحت نیست و ضربه دو مصرع آخر چون قابل فهم و دریافت است، در ذهن کودک باقی می‌ماند.

از دیگر موارد قابل توجه در این کتاب، کلیشه‌هایی است که شاعر برای کامل کردن منظور مورد نظر خود از آن‌ها استفاده کرده است. مواردی مثل:

«مجری برنامه می‌گفت: / روزبایاها مبارک

روز جشن مهربانی / ای گل زیبا مبارک»

البته برای پرهیز از تکرار این قسمت در موارد ضعف‌های نگارشی این نوشته بد نیست در اینجا اشاره شود، که چون بیت دوم این بند ادامه‌ی صحبت مجری است، بهتر بود «گل» نیز در بیت دوم علامت جمع می‌گرفت. چون قطعاً روی سخن مجری با یک نفر نیست. البته کاملاً



نگاه شاعر در این بیت کاملاً کودکانه است. او مثل کودک درون اثرش فکر می‌کند. کودکی که دنیای کوچک خود را به وسعت تمام جهان می‌بیند. از دیگر برتری‌های چهار پارچه‌ی «عمه فداکار» این است که: در آن فضای تصنعی و صرفاً مناسبتی وجود ندارد. قصد شاعر فقط روایت نیست. تصویرهای ساده‌ای را نیز در اثرش خلق کرده است:

«او با نگاه مهربانش / مثل ستاره می‌درخشد

چون دوست دارد تا به بیمار / لبخند شادی را ببخشد»
هر چند «لبخند شادی بخشیدن» در بیت دوم، کلیشه‌ای رایج به خصوص در زبان رسانه‌ها است. مضامینی از این دست، امروز در بسیاری از رسانه‌های گروهی مثل رادیو و تلویزیون رواج دارند. البته باز هم از این نوع ادبیات رسانه‌ای در شعر دیگری از این شاعر دیده می‌شود. در بیت اول «گلوله‌ی خیالی» (ص ۱۵) می‌خوانیم:

«علی گلوله می‌زد / تقی جواب می‌داد»

گلوله زدن و پاسخ به گلوله دادن، از همان موارد رایج در زبان و نگارش رسانه‌ای است. درست است که بازی با تفنگ از سرگرمی‌های کودکان - خصوصاً پسران - است؛ اما بعید است مخاطب گروه سنی الف وب درک درستی از فعل «جواب دادن» داشته باشد. صرف نظر از نامناسب بودن این زبان برای کودکان این گروه سنی - و گاه حتی بزرگسالان - به نظر می‌رسد که شاعرگاه فراموش می‌کند که مخاطب او شنونده‌ای لحظه‌ای نیست و ممکن است تا مدت‌ها با اثر



مشخص است که وزن چنین اجزاهای را به شاعر نمی‌داده و این مورد از آن دسته ضعف‌هایی است که به دلیل تنگنای وزنی شکل گرفته است.

از کلیشه‌های تکراری دیگری که این کتاب جلب توجه می‌کند، عبارت «همان... بودن» است. با اینکه درک آن برای گروه سنی مخاطب کتاب سخت نیست؛ اما از موارد کلیشه‌ای است که تکرار زیاد آن، صورتی ناخوشایند و خسته کننده به خود گرفته است. در شعرهایی مثل:

- باغچه‌ی گل (ص ۶):
«در باغچه مهمانند / امروز دو پروانه»
- یک عالمه گنجشک (ص ۱۰):
«یک عالمه گنجشک / مهمان گل‌ها بود»
«گنجشک زیبایی / مهمان نرگس شد»

در این کتاب هم مثل هر دفتر شعر دیگری ضعف‌های نگارشی و تألیفی وجود دارد. این موارد شامل عدم توجه شاعر به تطابق فعل و فاعل و استفاده‌ی نادرست از حروف اضافه می‌شود. از این دست است موارد زیر:

الف) عدم تطابق فعل و فاعل:
- باغچه‌ی گل (ص ۶):

«در باغچه می‌رقصند / هر شاخه‌ی گل با باد»
«شاخه‌ی گل» با «هر» آمده است و معنی مفرد دارد. لذا نمی‌توان فعل جمع را برای آن بکار برد.
- یک عالمه گنجشک (ص ۱۰):

«در خانه‌شان نرگس / تنهای تنها بود»
یک عالمه گنجشک / مهمان گل‌ها بود»

در این بیت هم مشکل عدم تطابق فعل با فاعل - البته در جهت عکس با مثال قبلی - وجود دارد. ضمن اینکه ارتباط روشنی در محور عمودی این دو بیت حس نمی‌شود. گنجشک‌ها مه‌مان گل‌ها هستند و این ربطی به تنهایی نرگس ندارد.

در شعر «یک عالمه گنجشک» معلوم نیست علامت جمع برای «غصه» به چه دلیل آمده است؟! زیرا تنها

ناراحتی - یا غصه‌ی - نرگس بر اساس این شعر، رفتن گنجشک است. آوردن «ها» هیچ توجیهی جز پر کردن وزن ندارد.

«با جیک جیک خود / از او تشکر کرد
رفت و دل او را / از غصه‌ها پر کرد»

معمولاً در این از روایت‌ها، یک اتفاق می‌افتد تا فضای نخست روایت تغییر کند و متفاوت شود. به این معنی که اگر نرگس در ابتدای شعر «تنهای تنها» است و این غمی پنهان را در خود دارد، گنجشک‌ها می‌آیند و اتفاقی می‌افتد تا نرگس از تنهایی در آید و شاد شود؛ نه اینکه پایان روایت با غصه‌ی بیشتر نرگس تمام شود. فضای شعر بر کودک سنگین می‌آید و چیزی رو به خوشایندی پیش نمی‌رود.

و چیزی رو به خوشایندی پیش نمی‌رود.

ب) کاربرد نامناسب حروف اضافه:

در بسیاری از موارد، شاعر به جای «در» از حروف اضافه‌ی دیگری مثل «توی» و «میان» استفاده کرده است:

- شعر جشن تولد (ص ۲):

«جشن تولدم بود / دیشب میان خانه»

واژه‌ی «میان» در اینجا جایگزین حرف اضافه‌ی «در» شده است. همین‌طور در دو بیت زیر «توی» به جای «در» آمده است:

«توی پرستاری نمونه است» (ص ۱۳)

«بیدی قشنگ و سر سبز / توی حیاط خانه» (ص ۱۶)

یا در این دو بیت از چهار پاره‌ی «گلوله‌ی خیالی» به جز کاربرد غلط مصطلحی که در استفاده از حروف اضافه‌ی «توی و میان» وجود دارد، بیت اول نیز ساختار درستی از



می‌شود، ایجاز است. در این مجموعه نمی‌توان چهار پاره‌ای با بیش از چهار بند یافت. البته شاید به همین دلیل است که بعضی از آثار مثل شعر «روز بابا» نتوانسته‌اند به موفقیت لازم از لحاظ زبان و مضمون دست یابند. البته در مقابل آن شعرهایی مثل «دوتا بیست»، «عمه‌ی فداکار»، «گلوله‌ی خیالی» و «شهر پرنده‌ها» توانسته‌اند با وجود این ایجاز در زبان یا موسیقی و یا مضمون، آثار کاملی باشند. اگرچه در آن‌ها نقطه ضعف‌هایی هم هست. مثل:

شعر «دو تا بیست»، که می‌توان آن را از موارد ایجاز در مضمون دانست.

«چه شادمانم امروز / چه لحظه‌های خوبی است
چون از معلم امروز / گرفته‌ام دوتا بیست»
اما در در بیت دوم بند دیگری از آن، به دلیل وجود همین خلاصه گویی، معلوم نمی‌شود که منظور شاعر از «جشن» چه نوع جشنی است؟

«نوشته بودم انشاء: / که من چقدر شادم
از اینکه قلمم را / به جشن هدیه دادم»



ولی از طرف دیگر نوع بیان و زبان شاعر در این شعر کاملاً کودکانه است. همین کودکانه‌پردازی - با توجه به گروه سنی مخاطب - نمی‌گذارد ضعف‌هایی از این دست چندان بارز باشند. چنانکه در بند پایانی می‌آورد.

«معلمم نوشته / کنار نمره این را:
یکی برای نمره / یکی برای انشاء»
در شعر گلوله خیالی این ایجاز را در موسیقی می‌بینیم. شاعر این شعر را در وزن کوتاه سروده است.

«یحیی علوی فرد» چنانکه از آثار او در مجلات کودک و نوجوان سراغ داریم، شاعر خوبی است. یک مجموعه هم نمی‌تواند به تنهایی بیانگر قدرت و ضعف شعر یک شاعر باشد. این مجموعه نیز با اینکه یک اثر ایده آل نیست؛ تجربه‌ی بدی هم نیست. چنانکه در آخرین شعر کتاب، «شهر پرنده‌ها» می‌بینیم شاعر این مجموعه هم می‌تواند روایت و تخیل را به خوبی به هم گره بزند و اثری مناسب گروه سنی ب و ج ارائه دهد.

«بیدی قشنگ و سبز است / توی حیاط خانه
شهری پر از پرنده / شهری پراز ترانه
یک لانه روی این دست / یک لانه روی آن دست
بر روی هر پرنده / درهای شهر باز است
تا در حیاط ما هست / این بید سبز و زنده
قلب حیاط ما هست / لبریز از پرنده»

پی نوشت:

۱ - چهارپاره‌ی جشن تولد، فریدون سراج

نظر دستوری ندارد.

«دوباره توی کوچه / صدای بنگ بنگ است
گلوله‌ی خیالی / میان هر تفنگ است» (ص ۱۵)
در واقع باید به جای «توی» حرف اضافه‌ی «از» می‌آمد
و به جای فعل «است»، فعل «می‌آید» به کار می‌رفت.
در چهار پاره‌ی «شهر پرنده‌ها» (ص ۱۶) هم با وجود
«روی» کاربرد حرف اضافه‌ی «بر» حشو است.
«بر روی هر پرنده / درهای شهر باز است»

تمام این ضعف‌ها به خاطر راحت کردن وزن شعر بر خود، از سوی شاعر است.

یکی دیگر از عناصری که در این کتاب بسیار حس

